

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«قبشر عبادی الذین یستمعون القول
فیتبعون احسنه ؛ اولئک الذین هداهم الله
واولئک هم اولوا الالباب»
(قرآن کریم - سوره زمر)

تظاهر و ریاکاری!

در شماره پیش ، قسمتی از نامه درد دل و شکایت آمیزی را که دانشجویی
ارجمند بدفتر نشریه فرستاده بود نقل نموده ، و مطالبی در پیرامون آن تذکر داده
و ذیلا وعده کردیم که در این شماره نیز با آن جوان با شرف سخن گفته و ندای او
را پاسخ دهیم .

در ابتدای نامه سؤال شده بود :

آیا مطبوعات ما واقعا طرفدار اصلاح جوانانند ؟!

از آنجائیکه حکم روی اکثریت بوده ، و افراد نادر و انگشت شمار در هیچ
تشکیلاتی بحساب نیامده ، و بمثل معروف : **به یک گل بهار نمیشود ؛**
متأسفانه پاسخ این پرسش منفی است و باید با کمال صراحت بگوئیم : **نه !**
بیشتر مطبوعات یعنی روزنامهها و مجلات ماهانه و هفتگی ما باروشی که
پیش گرفته اند ، از نظر اخلاق و فضیلت ، نه تنها طرفدار اصلاح نبوده و قدمی در
راه اصلاح برنمیدارند ، بلکه همه آشهای فساد را که خرمن فضیلت و تقوا و
شرف جوانان و نوباوگان را سوخته ، و عقاید و افکار آنان را از راه صلاح و
شایستگی منحرف ساخته ، و دچار سقوط و شکست اخلاقی و ایما نشان مینماید ،
هم آنان برافروخته و یادامن مینند !

گفته میشود : محبوب و مطلوب مردم این عصر که **ریشه همه فسادها**
و زشتکارهای آنان نیز می باشد ، سه چیز است : **زن ، می ؛ طرب .**
مگر نه همین مطبوعات هستند که بطور مستقیم یا غیر مستقیم ، **دلالت بازار**
این سه متاع بوده و بهر وسیله و از هر راه آنها را ترویج میکنند ؟!

اینانند که با نشر مقالات و داستانهای عشقی و پلیسی که لیدر آنها زنان معلوم الحال میباشند ، آتش شهوت جوانان را دامن زده و راههای باریک فحشاء و زشتکاری را بآنان آموخته و با نشر عکسهای لخت و عریان زنان هر جایی و هنرپیشههای سینمایی و فواحش بین المللی در حال رقص و در آغوش مردان و ... عمال درسی بی عفتی و ناپاکی داده و دختران و پسران معصوم این کشور مسلمان را بطرف فساد و بدبختی میکشاند !

اینانند که علاوه بر اینکه در ضمن داستانهای عشقی و (با اصطلاح) اخلاقی و آموزنده خود ، مایه خوشیها و شرطعیش و نوشهارا عرق و شراب معرفی می نمایند ، رسماً نیز آگهیهای تبلیغاتی مشروبات الکلی فرنگی و ایرانی را منتشر ساخته و با آب و تاب فراوانی از آنها ترویج مینمایند .

آری ، این مطبوعات هستند که خوانندگی و نوازندگی و رقص و طرب را شرط موفقیت در زندگی دانسته و رقاصهها و خوانندهها را هنرپیشه و هنرمند معرفی نموده و دختران و پسران را با اصرار زیاد بآن دعوت میکنند و با منظره های شهوت زنا و آگهی های جالبی که از سینماها و تئاترها و بارها و شب نشینی ها و .. منتشر میسازند ، بی اختیار جوانان بلکه سالخوردگان را دعوت بفساد و بی بندگی و باری مینمایند .

مشتی از خروار !

اگر بخواهید شاهد زنده این حقیقت را مشاهده کنید ، در این آگهی سینمایی که در شماره های مرداد ماه یکی از معروفترین و موجهترین مطبوعات روزانه این کشور چاپ شده است ، دقت کنید و ببینید که باروچیک پسر یا دختر دانش آموز ، یا یک جوان دانشجوی طبقات دیگر که رشد فکری و عقلی نداشته و از ایمان محکمی بی بهره باشند ، چه میکند ! وجه آتشی را در کانون احساسات او مشتعل ساخته و چگونه بی اختیار او را بطرف فساد میکشاند ! ؟

«برنامه امشب»

« این است آخرین حد خنده در سینما ، اینست آخرین تحول کمدی در

عالم ! »

« دنیای دیوانه ، دیوانه ، دیوانه ، دیوانه ، شما را از خنده دیوانه

میکند . »

«دنیائی خنده ؛ خنده ، خنده»
 «دنیائی ماجرا ؛ ماجرا ؛ ماجرا»
 «دنیائی لذت ، لذت ، لذت»

دیک کمدی بی نظیر ، یک کمدی بی سابقه ، یک کمدی دیوانه کننده !
 این آگهی با آب و تاب ، مشتی از خروارویکی از هزار از اینگونه آگهی-
 های تبلیغاتی سینماها و مراکز فساد است که همه روزه و همه هفته در روزنامه ها و
 مجلات این کشور بضمیمه عکسهای جالب و مهیج از زنان عریان و نیمه عریان ،
 در حال رقص و بوسه ، دردامن مردان و بیگانگان منتشر میشود . آیا با این
 وصف ؛ میتوان گفت : آنان طرفدار اصلاح جوانانند ؟ !

اشک تمساحی !

خواهید گفت : ما بسامی بینیم در صفحات همین جرائد و مجلات ، مقالاتی
 از دانشمندان در مذمت و مفساد مشروبات الکلی و زیانهای افراط در سازندگی و
 نوازندگی و سوء تأثیر آنها در اعصاب و روان آدمی ، درج میشود ، و یا چون
 حادثه های ناگوار اتفاق افتاده و دختر و یا پسر قربانی عشق و شهوت شده و یا
 شیرازه خانواده ای از هم پاشیده میشود ، با مقالات تند و تیزی ، مفساد اجتماعی
 و بی بندوباری جوانان و عدم رشد و سوء تربیت آنان را متذکر شده و احیاناً
 سازمانهای فرهنگی و اجتماعی یا پدر و مادرها را پاداش تقاد گرفته و بحال رقت بار
 مادران داغ دیده و فرزندان یتیم شده و خانواده های از هم گسیخته زاری نموده و
 اشک ریخته و داد سخن میدهند !

پس این ابراز علاقه ها و گریه و زاریها از چیست ؟ و این اظهار احساسات
 و دلسوزیها را چرا میکنند ؟ و این سخنان مؤثر و محرک را چگونه مینویسند ؟
 پاسخ همه این پرسشها این است که اینها اشک تمساحی است ، اینها
 برای بازار گرمی است ، اینها زمینه تحصیل و جاهت است ، اینها برای گول زدن
 مردم است ! اینها همه **تظاهر و ریاکاری** است !

ما هم تصدیق داریم که گاهی بعضی مقالات و نوشته های اخلاقی ، انتقادی ،
 تربیتی در همین جراید و مجلات کنونی به چشم می خورد که حقاً آموزندگی داشته
 و بسیار جالب است ، ولی با اینکه در ستون مقابل یا صفحه برابر آن يك داستان ،

يك صحفه و يك آگهی و يك منظره ای مهیج ، شهوت‌زا ، فساد انگیز ، مخرب درج گردیده و نیروی شهوت و حیوانیت بطور کامل تقویت میشود ، آید دیگر مجالی برای تعقل و تفکر روی آن مقاله و پذیرفتن آن نصیحت و تربیت باقی میماند ؟

ریا کاری اجتماعی !

آن جوان دانشجو ، در ذیل نامه خود بما نوشته بود « من تعجب میکنم که يك مجله چطور میتواند يك موضوع را هم تعریف و هم تقبیح نماید ، یکبار بزشتی و دیگر بار ببنکوائی یادش کند ! ... »

با این مقدمه که نوشتیم در جای تعجبی باقی نمیماند ، آنجا که آن حقیقت را می نویسد و موضوعی فساد آمیز مانند **پیژانه پارتی** یا فلان فیلم شرم آور سینمایی را بزشتی یاد نموده و آنرا تقبیح میکند ، برای این است که بازاری گرم نموده و جلب توجه مردمان کامل و وارسته را کرده و جای خود را در محافل دانشمندان و روشنفکران و بنیاداران حقیقی باز نموده و جاهت و آبرویی در يك جامعه اسلامی و فضیلت دوست تحصیل نماید .

آنجا که همان **پیژانه پارتی** یا امثال آن از برنامه ها و فیلمها و اعمال زشت و مخرب را تعریف نموده و ترویج میکند ، یا پول گرفته و بدین وسیله برای آن مؤسسه تبلیغات نموده و یا خواسته است با اصطلاح ، تجدد و روشنفکری ! خود را ثابت کرده و دلی از پسران و دختران جوان بدست آورده و توجه آنها را بمجمله خود جلب نموده جیب ایشانرا خالی کند !

و باید دانست که این **تظاهر و ریا کاری !** درسی است که مکتب مادی امروز بطور کم و بیش بهمة طبقات و اصناف اجتماع داده و آنها را از حقیقت و معنویت دور ساخته و بظاهرسازی و فریب کاری واداشته است .

از گدای راه نشین که بدروغ جامه کهنه و یاره پوشیده و ظاهر رقت انگیزی بخود گرفته ، و صنعتگر و کارگری که مصنوع و ساخته بی جوهر خود را با آب و رنگی پرداخته ، و مغازه داری که به جنس و متاع بی حقیقت خود صورت بازاری داده و زشتی را زیبا جلوه گرساخته است ، تا آن صاحب شخصیت و مقام کوچک یا بزرگ اجتماعی که داد خدمت گذاری و عدالت پروری زده و باشمارهای فریبنده و آرمهای جالب ، (ولی بی مغز و تو خالی) خود را طرفدار فرهنگ و بهداشت و

اقتصاد و امنیت و عدالت و احیاناً دین و مذهب معرفی می نماید ، در حالتیکه بیشتر آن گفته‌ها از عمل برکنار بوده و بسیاری از آن وعده‌ها وفا نمیشود .

همه اینها از یک روح پلید تظاهر و ریاکاری عمومی حکایت میکنند که اجتماع ما را احاطه نموده و آنها را از حقیقت و واقعیت برکنار ساخته است . و بدیهی است که هر اندازه مردمان از مکتب دین و معنویت دور افتاده و در منجلاب مادیت و شهوت بیشتر غوطه ور شوند ، این بیماری بطور خطرناکتری آنها را فرا خواهد گرفت ! !

راه علاج ؟

آری تظاهر و ریاکاری ، نفاق و دورویی ، بلای بسیار بزرگی است که بهمه سازمانها راه داشته و در همه اعصار حتی در صدر اسلام ، لطمه‌های بزرگی بدستگاه دیانت و حقیقت و معنویت زده و در هر عصر بصورتی عرض اندام نموده است ، و پیوسته اهل حق و ایمان هم با آن مبارزه نموده و تا آنجا که امکان داشته است پرده را بالا زده و مشت منافقین و ریاکاران را باز نموده و آنان را معرفی و رسوا ساخته اند .

اینک نیز وظیفه مردم حق پرست و روشن بین است که گول این ظاهر - سازیها و ریاکاریها را نخورده ، بلکه تا حدودی که امکانات اجازه میدهد با آن مبارزه نمایند .

لذا بان دانشجوی عزیز و سایر جوانان و دانشجویان ارجمندی که مقالات و نامه‌های دردمندانه و شکایت آمیز برای ما فرستاده و خواسته اند که آنها را در صفحات نشریه منعکس نمائیم ، میگوئیم : گرچه وظیفه ما همه نویسندگان نشریات دینی و اصلاحی است که ندای شما را پاسخ داده و افکار شما را منعکس نمائیم ولی تنها با این عمل ، دردها و ناانده و این بیماری علاج نمی پذیرد .

بلکه تا حدی راه علاج بنظر ما این است که بانتظار این و آن ننشسته و چشم از هر مقام و هر دستگاه برداشته و هر کس بقدر توانائی باین وظائف عمل نماید :

۱ - خود از خریداری و رواج بازار آن گونه مطبوعات مخرب و فساد انگیز

خودداری نموده و جداً دوستان و آشنایان و علاقه‌مندان خود را نیز از خریداری آنها باز دارد .

۲ - نقطه‌های ضعف و تاریک آنها را بازگو نموده و ب دیگران تذکر داده و از نکوهش و بیان زیانهای آنها بازبان و قلم حتی الامکان خودداری ننماید .

۳ - نواقص و عیوب و انحرافات آنها را با نام و نشان و بطور منطقی و مستدل برای خود آنها بنویسد و دیگران را نیز وادارد تا بطور مکرر و مداوم برای آنها نوشته و از آنان بخواهند تا روش خود را اصلاح نموده و دست از خراب کاری بردارند و هر گاه جواب ندادند یا عذری بدتر از گناه آوردند قانع نشده و انتقاد و اعتراض را دنبال نموده و تکرار کنند تا خود آن سازمانهای مطبوعاتی و کارگردانان آنها بفهمند و دریابند که اکثریت این مردم ، با صرف و فضیلت دوست بوده و از آنگونه مطالب فساد آمیز و شهوت انگیز بیزارند !

۴ - بر تعداد و انواع نشریات دینی و علمی افزوده و این جبهه را کاملاً تقویت نموده و بدین وسیله حقایق و فضائل را منتشر ساخته و اخلاق انسانی را رواج دهند .

اینهارا هائی است که بنظر میرسد تا حدی بتواند مطبوعات و روش ناهنجار آنان را اصلاح نموده ، یا از فساد و خرابکاری آنها تا اندازه ای بکاهد . تا چه اندازه بپیمودن این راه موفقیت حاصل گردد !

کتابخانه مسجد اعظم - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی
 ابوالقاسم دانش‌شناسی